

Analyzing the Role of the Prophet Muhammad's Personality Traits in Transforming the Social Behavior of Pre-Islamic Arabs with Reference to the Verses of the Holy Qur'an

Mahdi Heshmati ^{✉1}, Mohammad Qasem Ahmadi ², Ramazan Mohammadi ³

1.(Corresponding Author) - PhD Candidate in Ahl al-Bayt History; Department of History, Complex of Islamic History, Sirah and Civilization, Al-Mustafa International University, Qom . Iran . E-mail: mahdi_heshmati@miu.ac.ir

2.Assistant Professor of Ahl al-Bayt History; Faculty Member, Al-Mustafa International University. Qom . Iran . E-mail: mohamadghasem_ahmadi@miu.ac.ir

3.Department of History, Research Institute and University, Qom, Iran.
E-mail: mohammadi@rihu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 2025-03-09
Revised: 2025-04-21
Accepted: 2025-04-30
Available online
1 July 2025

Keywords:
The Holy Prophet,
Analysis,
Evolution,
Social Behavior,
Ignorant Society

ABSTRACT

The Prophets mission (bi'tha) paved the way for transforming social behavior within the disordered society of pre-Islamic Arabia. The communication of divine verses to the people by the Messenger of God, which was accompanied by the introduction of principles and rules of social norms, had a profound impact on the evolution of the social behavior of the pre-Islamic Arabs. Our question is: What role did the personality of the Prophet Muhammad play in this behavioral transformation? The present article aims to describe and discover how the social behavior of the pre-Islamic Arabs was transformed by the Prophet Muhammad and to analyze the role of his personality traits in the transformation of the social behavior of the pre-Islamic Arabs. To achieve this goal, the method of studying historical documents and analyzing them has been used. According to the findings, the role of the Prophet Muhammad's personality traits, such as sincerity, gentleness, trustworthiness, honesty, infallibility, good reputation, simplicity, harmony of speech and action, good manners, eloquence, justice, and being an Ummī (unlettered), which made him a perfect role model, is prominent and undeniable in the evolution of the social behavior of the pre-Islamic Arabs.

Cite this article: Heshmati, Mehdi Ghasem Ahmadi, Mohammad; Mohammadi, Ramezan; (2025).

Analyzing the Role of the Prophet Muhammads Personality Traits in Transforming the Social Behavior of Pre-Islamic Arabs with Reference to the Verses of the Holy Quran, Discourse of History. 50 (2), 32-57. <http://doi.org/10.22034/SKH.2025.20804.1616>



© The Author(s).

Publisher: Al-Mustafa International University.

DOI: <http://doi.org/10.22034/SKH.2025.20804.1616>

تحلیل نقش ویژگی‌های شخصیتی پیامبر اکرم(ص) در تحول رفتار

اجتماعی عرب جاهلی با تکیه بر آیات قرآن کریم

| مهدی حشمتی ^۱ | محمد قاسم احمدی ^۲ | رمضان محمدی ^۳ |

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اهل بیت(ع)، مجتمع تاریخ سیره، تمدن اسلامی، جامعه المصطفی(ص) قم، ایران.

رایانامه: mahdi_heshmati@miu.ac.ir

۲. گروه تاریخ اهل بیت(ع)، مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

رایانامه: mohamadghasem_ahmadi@miu.ac.ir

۳. گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. رایانامه: mohmmadi@rihu.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

کلیدواژه‌ها:

پیامبر اکرم(ص)،

تحلیل،

رفتار اجتماعی،

جامعه جاهلی

بعث پیامبر(ص) زمینه تحول رفتار اجتماعی در جامعه ناسامان عرب جاهلی را فراهم کرد. ابلاغ آیات الهی به مردم توسط رسول خدا که با معرفی اصول و قواعد هنجارهای اجتماعی همراه بود، تأثیری عمیق در تحول رفتار اجتماعی عرب جاهلی داشت. سوال ما این است که ویژگی‌های شخصیتی پیامبر اکرم(ص) چه نقشی در این تحول رفتاری داشت؟ نوشته حاضر با هدف توصیف و کشف چگونگی تحول رفتار اجتماعی عرب جاهلی به وسیله پیامبر اکرم(ص) و تحلیل نقش ویژگی‌های شخصیتی آن حضرت در تحول رفتار اجتماعی عرب جاهلی صورت گرفته است. برای دست یابی به این هدف از روش مطالعات اسناد تاریخی و تحلیل آنها بهره گرفته شده است. طبق یافته‌ها؛ نقش ویژگی‌های شخصیتی پیامبر اکرم(ص) مانند اخلاص، نرمخویی، امانت داری، صداقت، عصمت، خوش نامی، ساده زیستی، هماهنگی گفتار و عمل، خوش رفتاری، خوش گفتاری، عدالت ورزی و اُمی بودن، که آن حضرت را به الگوی تمام عیار تبدیل کرده بود، در تحول رفتار اجتماعی عرب جاهلی، برجسته و انکار ناپذیر است.

استناد: حشمتی مهدی؛ احمدی محمد قاسم؛ محمدی رمضان (۱۴۰۴). تحلیل نقش ویژگی‌های شخصیتی پیامبر اکرم(ص) در تحول

رفتار اجتماعی عرب جاهلی با تکیه بر آیات قرآن کریم. سخن تاریخ، ۵۰ (۲)، ۳۲-۵۷.

<http://doi.org/10.22034/SKH.2025.20804.1616>



© نویسندگان.

ناشر: جامعه المصطفی(ص) العالمیه.

مقدمه

اعراب عصر جاهلی حجاز دین خاصی نداشتند و نه تنها گرایشی به آیین اهل کتاب نداشتند، اساساً موضوع بعثت و ارسال رُسُل را انکار میکردند. ارتباط آنان با نیروی برتر از راه نیایش و پرستش بتان بود. چنانکه ابوسفیان با اهداف سیاسی و نظامی، در جنگ اُحُد یکی از آنان را همراه خود برده، شعار «أَعْلُ هُبَل» سر میداد. (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۴۵) بعثت پیامبر اکرم (ص)، زمینه تحولات رفتار اجتماعی در جامعه عرب جاهلی را پایه ریزی کرد. ساختار معیوب و رفتارها و عاداتِ ناپسند حاکم بر جامعه جاهلی (ر.ک، نحل: ۵۹-۵۸) ضرورت تحول را مسلم می نمود. این تحول باید با معیارها و موازین متناسب، به تغییر مناسبات فرهنگی و جایگزینی ارزش های اسلامی به جای هنجارهای جاهلی می انجامید، تا خلاهای عمیق و متعدد را پُر کند. هدف تحقیق حاضر، که با شیوه تاریخی و رویکرد توصیفی، تحلیلی، نگاشته شده، کشف چگونگی تأثیر ویژگی های شخصیتی پیامبر اکرم (ص) در تحول رفتار اجتماعی عرب جاهلی بر اساس آیات قرآن کریم است. با اذعان به تحول منبعث از قرآن کریم، سوال ما این است که نقش ویژگی های شخصیتی پیامبر در تحول رفتار اجتماعی عرب جاهلی بر اساس آیات قرآن کریم چیست؟

گفتنی است که هدایت بدون الگو میسر نیست، بدین جهت ضرورت تبیین نظام رفتار اجتماعی عرب جاهلی که مشحون از تفکرات ظلمانی و ضد بشری با بستری از اوهام و خرافات بود، امری اساسی و لازم است تا عناصر کارایی و نقش ویژگی محوّل بازنشاسایی شود.

درباره نقش ویژگی های شخصیتی پیامبر اکرم (ص) در تحول رفتار اجتماعی عرب جاهلی، کتابی یا نوشته ای که مستقلاً تمرکز بر روی این عنوان داشته باشد، یافت نشد. ولی به هر حال نوشته هایی مرتبط با موضوع وجود دارد که بخشهایی از آن به موضوع ما مرتبط است. در ذیل به تفکیک و به اجمال به معرفی آنها می پردازیم؛

۱. کتاب الصّحیح مِنْ سِیرَةِ النَّبِیِّ الْأَعْظَمِ (ص) اثر جعفر مرتضی عاملی، که درباره تاریخ صدر اسلام و حوادث زمان پیامبر بوده و کوشیده تا روایات ثقه را از غیر ثقه و ضعیف جدا نماید، یکی از پیشینه های این تحقیق است، البته این کتاب عمومی است و تمرکز بر روی نقش ویژگی های شخصیتی پیامبر (ص) در تحول رفتار اجتماعی عرب جاهلی ندارد.

۲. کتاب المفصل فی تاریخ العرب اثر جواد علی که تحقیقی نسبتاً جامع با بیان جزئیات حوادث عرب جاهلی بوده که یک پژوهش ممتاز با گستره ی وسیع تاریخی محسوب می شود. استفاده از مأخذ کهن و عربی و غیر آن و بهره گیری از نگارش خاورشناسان بر اعتبار علمی آن

افزوده است. در این مقاله از این کتاب استفاده شده است.

۳. کتاب تاریخ عرب اثر فیلیپ خوری حتی که به تاریخ اسلام و سرگذشت اعراب و اقوام عرب زبان پیش از اسلام و پس از آن تا خلافت عثمانی پرداخته و تحلیل میکند. در این مقاله از این منبع استفاده شده است.

۴. کتاب سیره نبوی اثر مصطفی دلشاد تهرانی که سیره نبی مکرم را با توجه به گزارشات تاریخی و روایی تبیین نموده و به اصولی هم اشاره دارد، ولی مستقلاً پیرامون عنوان ما بحث ننموده و سوال ما را پاسخ نداده است.

۵. تحلیل سیره تبلیغی پیامبر اعظم(ص)، اثری از ناصر رفیعی محمدی که رویکرد این کتاب تفسیر موضوعی قرآن کریم در زمینه تبلیغ و هدایت مردم است، ولی به موضوع مورد نظر ما نپرداخته است.

۶. پایان نامه «بررسی زندگی اجتماعی پیامبر اکرم(ص) از منظر قرآن» اثر محمد اعجازنگری، که با آوردن پانزده مورد از برخوردهای اجتماعی، نقش حضرت رسول(ص) را در تحول آفرینی اجتماعی و فرهنگی بررسی نموده است. اما نقش ویژگی‌های شخصیتی پیامبر(ص) در تحول رفتار اجتماعی عرب جاهلی تحلیل نشده است.

۷. مقاله «ارزش سیره نبوی از منظر قرآن و مستشرقان» که توسط فاطمه رضایی و مهرناز گلی تالیف شده و سیره نبوی را از منظر قرآن در موضوعات متعدد بررسی نموده و هدف از این نوشتار تحلیل دیدگاه مستشرقان در سیرت رسول الله(ص) است که به صورت مستقل به موضوع و مسئله ما نپرداخته است.

۸. مقاله «گونه‌های پرستش در حجاز عصر جاهلی» توسط علی غلامی دهقی درباره آثار تحول و دگرگونی‌های موجود آمده در موضوع پرستش ساکنان جزیره العرب بحث میکند که نسبت به موارد مطروحه قابل استفاده بوده ولی به موضوع ما نپرداخته است.

۹. مقاله «اصول برجسته در سیره اجتماعی پیامبر اعظم» نوشته حسین عبدالمحمدی نیز به اصول تعامل انگیز پیامبر با مردم، اعم از کافر و مسلمان اشاره دارد که محور بحث ما ویژگی و اصول منطبق بر آیات الهی است.

۱. مفاهیم

۱-۱. تحلیل

واژه تحلیل به معنای حل نمودن، بخش بخش کردن، روا شمردن و حلال کردن آمده است. (معین، ۱۳۸۱: ۲۸۲)، و اسم مصدر بوده به معنای حل کردن، گشودن. (عمید، ۱۳۸۵: ۳۸۴)، اما در دوره معاصر تحلیل به معنای حل کردن مسئله به کار می‌رود. خلاصه کلام اینکه «بررسی موشکافانه یک پدیده در ابعاد مختلف برای رسیدن به پاسخ یا نتیجه مطلوب را «تحلیل» می‌نامند که یکی از روشهای پژوهش علمی است». (کریمی، ۱۳۹۶: ۱۱)

۱-۲. نقش

نقش به نوعی از رفتار گفته می‌شود که دیگران از شخصی انتظار دارند. کسانی که برای ما ارزش خاصی دارند و ما رفتار آنان را سرمشق خود اختیار میکنیم، نقش آنان برای ما نقشه ی راه است، و آنان را نقشهای نمونه می‌گوئیم. وقتی فرد نقش معینی را اجرا نمود رفتار خود را با توجه به نقشی که برای او مرجع و الگو بوده انتخاب میکند. نقش های الگویی به اجتماعی شدن کمک می‌کند، زیرا کسانی که مراحل پرورش اجتماعی را می‌گذرانند، با پیروی از رفتارهای نمونه و اهدافی که در جهت آن کوشش می‌کنند، با این الگوها آشنا می‌شوند. نمایش یا بازی نقشها یعنی فردی آگاهانه می‌کوشد که نقشی را «به طور کامل» انجام دهد تا دیگران را تحت تاثیر قرار دهد. هرگاه فرد کوشش آگاهانه ای مصور نمود تا تصویر زیبایی را از خود به جا گذارد و این تصویر را مخاطب قبول نماید شاید بتوان ادعا نمود که او به هدف نقش خود نائل آمده است. اشخاص حقوق و وظایف وابسته به پایگاهی را که اشغال کرده‌اند، از طریق فرایند اجتماعی شدن، فرا می‌گیرند. (توسلی، ۱۳۹۰: ۷۷)

۱-۳. تحول رفتار اجتماعی

۱-۱-۳. تحول

تحول مصدر عربی است. در لغت، به معنای برگشتن از حالی به حال دیگر، منقلب شدن، دگرگون شدن اوضاع و جابجا شدن است (عمید، ۱۳۸۵: ۳۱۴). همینطور گفته شده تغییر در ذات یا در حکم چیزی است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۲۶۶). بنابراین مقصود از تحولات اجتماعی، دگرگونی‌های اجتماعی است که در یک جامعه پدید می‌آید. (قلی‌پور، ۱۳۹۲: ۱۳)

۳-۱-۲. رفتار اجتماعی

رفتار به هر گونه عمل شخص گفته می‌شود (سیف، ۱۳۸۷: ۸۷)، بنابراین سیره یا رفتار از حالات آدمی است. به قول راغب سیره حالاتی است که آدمی و غیرش می‌توانند بر آن حالت باشند، فرقی ندارد که آن حالت، غریزی یا اکتسابی باشد مثلاً گفته می‌شود که آن شخص دارای سیره حسنه یعنی نیکو یا سیره زشت و ناپسند است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۴۳۴) رفتار را می‌توان به دو شق دسته بندی کرد، اول رفتار فرد و دوم رفتار اجتماع. رفتار فردی بر اثر محرک محیطی از انسان سر می‌زند اما رفتار اجتماعی، هر نوع کنشی است که انسان به واسطه زندگی جمعی از خود آشکار می‌کند. به عبارت دیگر مجموعه کنش‌هایی است که انسان‌ها در ارتباط با زندگی اجتماعی و کنش متقابل با دیگران در پیروی از جمع و یا وجدان جمعی انجام می‌دهند. (توسلی، ۱۳۹۰: ۳۲۳)

۴-۱. عرب جاهلی

درباره معنای واژه عرب، ارباب لغت معانی متنوعی را ذکر کرده‌اند. مانند؛ رفع ابهام با تبیین و روشن‌نگری (مصطفوی، ۱۳۹۹، ج ۸: ۷۴)، گروهی از مردم (ابن منظور، بی تا، ج ۱: ۵۸۶)، نشان باقی مانده از جراحت بعد از بهبودی. (مصطفوی، ۱۳۹۹، ج ۸: ۷۴) قبل از اسلام منظور از عرب، مردمی بودند که در شبه جزیره سُکنی گزیده بودند. (دهخدا، ۱۳۸۵: ۱۵۷۸)

جهل، به معنای بی‌خردی (عمید، ۱۳۸۵: ۳۸۹) و نادانستن (محمد پادشا، ۱۳۳۶، ج ۲: ۱۳۸۹) و بی اعتنا (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۸۰) هم آمده است. ائمه دین، جهل را در مقابل عقل و به معنی بی عقلی به شمار آورده‌اند و تفکر و تعقل را نشانه دینداری دانسته‌اند. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۹) اما گلدزیهر معتقد است که جهل در مقابل «حلم» است تا در مقابل «علم». (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۷، ج ۱۷: ۴۴۰)

این واژه، چهار بار در قرآن کریم آمده است؛ {يُظُنُّونَ بِاللّٰهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ} آل عمران: ۱۵۴) {أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ} (مائدة: ۵۰)، {وَلَا تَبْرَحْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى} (احزاب: ۳۳)، {حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ} (فتح: ۲۶). در آیات مذکور گمان ناروا به خدا، حکم ناروا، خودنمایی جاهلی و تعصبات قبیله ای را جاهلی می‌داند. (جعفریان، ۱۳۶۶، ج ۶: ۷۴) موجز آنکه کلمه "جاهلیت" از "جهل" است، اما نه به معنی نادانی. زیرا افراد نادانی که به عدم آگاهی و علم خویش واقفند و سعی در برطرف نمودن آن دارند، بی شک نادان نبوده و در خور سرزنش نیستند. (صادقی اردستانی، ۱۳۶۲: ۳۰)

۲. مولفه‌های رفتار اجتماعی عرب جاهلی جامعه حجاز

شناخت رفتارهای عرب جاهلی در گفتمان نبوی از ابعاد و جوانب مختلف حائز اهمیت است؛ به دو مورد اشاره می‌شود: الف) معرفی و دستیابی به الگوی کامل رفتارهای عرب جاهلی جهت تمایز منشور حکومت دینی پیامبر و پابندی آن با چالش‌های رفتاری جامعه جاهلی ب) تبیین اصول و مبانی اندیشه و تحلیل ویژگی شخصیتی رسول اکرم در عبور دادن جامعه از مرزهای جاهلیت به مقصد اسلام. معلومات بدست آمده از آثار پژوهشگران بیانگر این است که باورهای اجتماعی افراد بر رفتارهای اجتماعی موثر است. کار عمده و اساسی پیامبر(ص) درباره ویژگی‌های اجتماعی جامعه جاهلی، مردود دانستن بسیاری از این رفتارها و در کنار اینها، انطباق و سازگار نمودن برخی از این صفات با اسلام بود، لذا ضرورت دارد جهت ایصال به مطلوب و نمایان گشتن نقش ویژگی شخصیتی پیامبر در تحول رفتار اجتماعی دوران جاهلیت، به طور مختصر مولفه‌های رفتار اجتماعی عرب قبل از بعثت مرور گردد؛

۱-۲. رفتارهای تعصب آمیز قبیله‌ای

تعصب عدالت را زائل کرده و بستر اجرای آن را از بین می‌برد. از این جهت قرآن کریم از تعصب اجتماعی به شدت پرهیز داده و از مومنان خواسته به جای تعصبات قومی بر اخوت و برادری ایمانی اهتمام داشته باشند. جالب است که ابن خلدون عصیت را یکی از مواد ضروری برای پیامبری می‌داند. (ابن خلدون، ۱۳۴۵: ۳۱۱) در جامعه جاهلی قبیله اساس اجتماع بدوی بود و اعضای آن را مجموعه‌ای از افراد خویشاوند، تشکیل می‌داد. نشان دادن غرور قومی نسبت به خویشان و نزدیکان یک اصل مداوم بود (ابن خلدون، ۲۴۸: ۱۳۴۵) قبیله تا آنجا قدرت داشت که حق داشت از افراد تقاضا کند که از همسران خود دوری کنند. (حتی، فیلیپ، ۱۳۶۶: ۳۶) امام سجاد(ع) فرمود: تعصب این است که شخص اشرار قوم خویش را بهتر از نیکان دیگر اقوام بداند. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۲۳۳) قرآن اقدامات جامعه جاهلی را تحت عنوان «حمیت جاهلی» معرفی نموده است (فتح: ۲۶)، لذا به صراحت عامل عدول از حق و عدالت و تولید دشمنی را رفتارهای تعصب آمیز بیان میکند. (نساء: ۱۳۵) اقتضای حالات متعصب، آن است که تبعیت کورکورانه بسنده می‌کند (هود: ۹۱)، مسیر رشد اجتماعی و ایمان آوری به انبیاء را به روی خویش می‌بندد (یونس: ۷۸)، و حاصلی جز تلاش جهت نیل به امیال خویش نداشته و گرفتار خشونت رفتاری و کلامی می‌شوند. (مریم: ۴۲)

۲-۲. آیین شرک و بت پرستی

اعراب جاهلی بعضاً بت پرست بودند و بعضی دیگر به آفریدگار معترف بودند، يك دسته از عرب‌ها مَلَك را پرستش میکردند و فکر میکردند که فرشتگان دختران خدا هستند و آنها را می‌پرستند تا پیش خدا شفاعتشان نماید. (شهرستانی، ۱۴۱۵: ۴۸۶) قرآن اشاره دارد که: {أَفْ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ} (انبیاء: ۶۷) آه بر شما و بر آن چیزی که غیر خدا می‌پرستید و آیا تعقل نمی‌کنید؟! حضرت علی(ع) نیز اشاره دارند که در بین عرب جاهلی بت پرستی شیوع داشت (نهج البلاغه: خ ۲۶). علت گرایش شدید عرب به بت پرستی، شیوع رسم غلط تبرک جستن به سنگهای اطراف کعبه توسط مسافران کعبه مثل یهود و مجوس و نصرانی بود که تدریجاً به پرستش آن منجر شد. پیامبر اکرم(ص) این رفتارهای جاهلی را ممنوع و حج ابراهیمی را احیا کرد. البته ناگفته نماند بعضی از اعراب موحد بودند(مسعودی، ۱۳۷۴، ج اول: ۴۸۵) مثل قُتُس بن سعید الایادی (متوفی ۲۳ هـ ق) (بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱ ص ۲۶۷) یا عامر بن الظرب العدوانی، از خطبای زمان جاهلیت بود که مشروب را حرام اعلام کرد (بغدادی، بی تا: ۲۳۴)

۲-۴. الگوپذیری رفتاری عرب جاهلی از یهود

در جامعه حجاز، یهودیت قبل از ظهور اسلام، تأثیر فراوانی بر رفتار اجتماعی داشت. (ولفسون، ۱۴۳۵ق: ۳) در قرآن کریم هم تصریحاً آمده که اثرپذیری در این ارتباط شدت داشت (مائده: ۵۱)، همچنین مفسران شان نزول آیه {لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ} (بقره: ۲۵۶) را در مورد کسانی می‌دانند که در جاهلیت به یهود گرویده شدند. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳: ۱۰) این تعاملات بین اعراب و یهود تا آنجا پیش رفت که اکثریت یهودیان منطقه حجاز با اینکه عبری زبان دینی یهود است، ولی به زبان عربی صحبت می‌کردند. (جوادی، ۱۳۹۱، ج ۶: ۵۵۸) برخی از علما نیز به این نتیجه رسیدند که مسئله نسأه ناشی از نفوذ یهودیان بر اعراب است. (ولفسون، ۱۴۳۵: ۸۱) ابن هشام معتقد است آیه شریفه {إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ} (توبه: ۳۷) نیز به همین منظور بر پیامبر نازل شد. (ابن هشام، ۱۹۸۵، ج ۱: ۴۵) نفوذ تا آنجایی پیش می‌رفت که فیطون پادشاه یهودیان مدینه پیش از عروسی دختران با آنان همبستر می‌شد خواه آن دختران عبری باشند یا عرب. (یاقوت حموی، ۱۳۸۰، ج ۷: ۴۲۸) هر چند به نظر می‌آید اینگونه گزارش‌ها با غیرت و صبر عرب بر تجاوز به حریمشان منافات دارد. به طور کلی آنچه که عیان است اینکه اراده‌ی جامعه‌ی حجاز قبل از مبعث بر این اندیشه استوار است، که رفتار

اجتماعی آنان منبعث از عوامل متعددی همچون باورهای یهود در تقویت این جریان و بازآفرینی نگاه جاهلی بود. مسعودی نیز اشاره به تمایل عرب به دین یهود دارد. (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۰۳)

۲-۵. رباخواری

با وجود راه های متعدد کسب معاش در اعراب جاهلی مثل موسم حج، دامپروری و زراعت، ولی تمرکز آنها غالباً بر تجارت آلوده به ربا و قمار و.. بود. یکی از رفتارهای اجتماعی مذموم در دوران جاهلیت، ربا خواری بود؛ اعم از افزون گرفتن بر اصل مال و شرط پرداخت اضافی در اول قرارداد، که خداوند آن را حرام اعلام کرد. خدا در قرآن می‌فرماید {الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ} (بقره: ۲۷۵) کسانی که ربا می‌خورند، (در قیامت) برنمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند؛ گاهی زمین می‌خورد، گاهی بپا می‌خیزد. اعراب جاهلی معتقد بودند علت جنون تماس با شیطان است که این آیه بر این اعتقاد ناصواب خط بطلان میکشد. اعراب از نیازمندان به پول، ربا می‌گرفتند و این موضوع در مفاد صلح نامه رسول خدا با مسیحیان نجران آمده است. (بلاذری، ۱۹۰۱م، ج ۱: ۷۲) پیامبر اکرم با این پدیده مبارزه و آن را ملغی اعلام کردند. همچنین فدیة برده داری و تجارت برده در میان اعراب جاهلی رایج بود (زیدان، ۱۳۷۲: ۶۶۱-۶۶۲) که با آمدن اسلام و ابلاغ آیه سیزدهم سوره حجرات ملاک برتری نزد خدا معرفی شد. البته آیاتی دیگر در قرآن کریم و گزارشات مبنی بر رفتارهای اجتماعی عرب جاهلی آمده است که به جهت اختصار از ذکر آنان خودداری و به همین مختصر اکتفا میکنیم.

۳. مولفه‌های رفتار اجتماعی اسلامی برگرفته از قرآن

ضرورت دارد علاوه بر تبیین مولفه‌های رفتار اجتماعی عرب جاهلی، مولفه‌های رفتار اجتماعی اسلامی برگرفته از قرآن کریم، جهت عیان شدن تاثیر نقش پیامبر در تحول رفتار، بازشناسایی شود. مهم‌ترین و کارآمدترین ابزار عملی نبی مکرم اسلام (ص) برای تحقق تحول رفتار اجتماعی، قرآن کریم بود. قرآن به انحاء و اطوار مختلف مولفه‌های رفتار اجتماعی اسلام را که منطبق بر ویژگی شخصیتی رسول خداست را معرفی فرموده و دستور به انقیاد از این ویژگی‌های رفتاری دارد. (حشر: ۷) با توجه به اینکه مولفه‌های رفتار اجتماعی، اسلامی در قرآن و سنت بیان شده است، در اینجا به جهت اختصار از ذکر آنان صرف نظر میکنیم.

۴- نقش ویژگی‌های شخصیتی پیامبر (ا) در تحول رفتار اجتماعی عرب جاهلی

وجود الگوی مطلوب، آرمان خواهی را در انسان برمی‌انگیزد، نور امید را در دل تقویت می‌کند و شوق آفرین و برانگیزاننده است، وجود الگو امکان برنامه ریزی برای دست یافتن به آن را فراهم می‌کند. (میر معزی، ۱۳۸۹: ۲۳) پیامبر گرامی اسلام(ص) به تصریح کلام الهی الگو و اسوه انسانهاست. بی شک پیروی از آن حضرت طبق دستور الهی لازم است که فرمود {وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا} (حشر: ۷) (آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید. (بر همین اساس شناخت سیره اخلاقی و رفتاری حضرت جهت الگو گرفتن بسیار مهم و حیاتی می‌باشد چرا که {لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ} (احزاب: ۲۱) (مسئلاً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود.) ضرورت اکتشاف نظام رفتاری نبی مکرم اسلام در راستای شناخت این الگو و اسوه حسنه برای عصر حاضر نیز لازم است.

نبی مکرم اسلام(ص) یک الگوی تمام عیار بود و همین الگو بودن تاثیر تام در تغییر رفتار اجتماعی عرب جاهلی داشت و در پی تعویض یا سست نمودن الگوهای مردم حجاز نبود بلکه هدف پیامبر به عنوان نماینده الهی بازسازی و ترمیم الگوهای قدیمی بود و این الگوهای قبل از پیامبر در تعاطی با اندیشه ی جهان نگر اسلامی تأثیرات عمیق و همه جانبه پذیرفت. در بحث الگوسازی نبی مکرم اسلام(ص) دو کار اساسی بنیان نهاد؛ الف) ایجاد و تبیین عوامل الگو ساز که منجر به تحول درونی و گزینش غایت اصلی می شود. ب) راهبردها و روش‌های الگوی تحول رفتار اجتماعی که منجر به تحول رفتار اجتماعی و از بین رفتن باورهای متعصبانه جاهلیت و همچنین نظام رفتاری آنان بود.

بررسی‌های صورت گرفته در حیات پیامبر اکرم(ص) نشان می‌دهد که تمام تحولات انجام شده در جامعه جاهلی از جمله تغییر ساختار اجتماعی، مبتنی بر تحولات اعتقادی بوده است. در ساختار اعتقادی عرب جاهلیت نوعی تضاد و ناهمگونی و ضعف نمایان بود. شکی نیست که جامعه ی قبل از نزول قرآن چه در جهت رفتار فردی و چه در جهت رفتار اجتماعی و چه در جهت اخلاق الهی در نهایت انحطاط بوده است. (ر.ک، نهج البلاغه: خ ۸۹) بنابراین اولین و مهمترین گام در جهت اصلاح ساختار اجتماع، نهادینه کردن فضایل اخلاقی در رفتار فردی و اجتماعی است و برای این کار داشتن یک منبع غنی و قوی از تعالیم و گزاره‌های تحول رفتاری لازم است. در ذیل به برخی از ویژگی‌هایی برجسته و نه تمام ویژگی‌ها، از نبی مکرم اسلام که باعث تحول

در رفتار اجتماعی اعراب گردید و همچنین تحلیل نقش آن پرداخته می شود؛

۱-۴. اخلاص

تحول رفتاری در میان مردم و سازندگی افراد بر طبق معیارها و ارزش ها یکباره اتفاق نمی افتد بلکه برنامه ای مستمر می خواهد، لذا شناخت محیط پیدایش جهت تحول ضروری می نماید. جامعه عرب مشحون از خود نمایی، راه ورود رشد را مسدود نموده بود، پس صفتی نیاز بود تا خودکامگی را تقلیل داده و مأمونی بزرگ جهت دوری از کثی ها باشد. قرآن این ویژگی را که از ویژگی های رسول خدا میداند تحت آموزه اخلاص به بشریت معرفی می نماید. (ر.ک، شعراء: ۲۶)

اخلاص معمولاً دبدبه و کبکبه ی ظاهری و مادی را کنار زده و انسان را به مقام رفیع و معنوی نزدیک کرده و رسیدن به هدف را هموار میکنند. خدای متعال می فرماید: {فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ} (غافر: ۱۴)؛ (تنها خدا را بخوانید و دین خود را برای او خالص کنید، هر چند کافران ناخشنود باشند). در آیه مذکور متصور است که شرط لازم برای تحول در رفتار اجتماعی اول شناخت، بعد از آن عمل است، لذا رسول خدا ابتدا با شناخت از جامعه عصر جاهلی زمینه را آماده، بعد شروع به هدایت فرمود. بنابراین یکی از عوامل کلیدی در وصول به تحول رفتاری مفهوم بنیادین، اخلاص است که نقش پالایش کننده در تبدیل نفاق به ایمان را دارد. مساعی رسول خدا این بود با ذکر جایگاه اخلاص، مردم را از خودنمایی و ریا باز میداشتند و میفرمود: «كُلُّ عَمَلٍ لَمْ يَكُنْ لِلَّهِ خَالِصًا فَهُوَ رِيَاءٌ». هر عملی که خالصانه برای خدا نباشد، ریا و خودنمایی است. (نراقی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۳۷۱) کار بزرگ نیازمند صفت عملی بزرگ است و رسول خدا با اخلاصشان توانستند اعرابی را که چهل سال به تقاص خون شتری با هم منازعه داشتند چنان متحول نماید که خداوند در قرآن وصف این تحول را معرفی فرموده است. (ر.ک، فتح: ۲۹)

۴-۲. نرم خویی

با دقت در گزارش های تاریخی پی می بریم هدف اصلی رسالت پیامبر، در جامعه ی فاقد جهان بینی و ایدئولوژی صحیح، که روابط اجتماعی دچار مشکل جدی شده بود، تکمیل مکارم اخلاقی بوده و لازمه آن نرم خویی و گشاده رویی است. در سال هشتم هجری و روز فتح مکه مردم در اطراف پیغمبر اکرم (ص) شعار می دادند: «الْيَوْمَ يَوْمُ الْمَلْحَمَةِ»؛ امروز، روز انتقام است، ولی پیغمبر اکرم (ص) فرمود بگویند «اليوم يوم المرحمه»؛ امروز، روز مهربانی و ترحم است. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۷: ۲۷۲) یکی از صفاتی که در درون و برون انسانها اثر دارد و

سبب می‌گردد که پیوند عاطفی میان افراد محکم گردد و تخریب شخصیت افراد نیز کاهش یابد، صفت نرم خویی است. بدیهی است هیچ فردی دوست ندارد در اجتماع با وی با تند خویی برخورد شود؛ چرا که او عزت نفس دارد و نمی‌خواهد شخصیتش تحقیر گردد. تذکر تند و برخورد شدید معمولاً برای کسانی که خطاکار هستند و اشتباه مرتکب می‌شوند، جواب نداده و فرد ترتیب اثر نمی‌دهد. ولی اگر با همین افراد مشکل دار و مجرم با نرمی و احساس شخصیت دادن برخورد شود، قطعاً تأثیر پذیر بوده ولو تدریجاً این مشکل را مرتفع نماید. خداوند نیز در قرآن خطاب به پیامبرش این نکته را یاد آور شده است: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ﴾ (آل عمران: ۱۵۹) قرآن با تمجید و تعریف نرم‌خویی رسول خدا(ص) تأکید می‌فرماید که اگر ایشان تندخو و خشن بودند، مردم از اطرافش متفرق می‌شدند. حُسن خلق، در سنت و رفتار اجتماعی پیامبر دارای جایگاه ممتازی می‌باشد. به طوریکه که پیامبر هدف رسالتش را کامل کردن مکارم اخلاقی می‌داند. (متقی هندی، ۱۹۸۹، ج ۵۲۱۷) شخصی از رسول خدا سوال نمود ای پیامبر خدا دین چیست؟ فرمود خوش اخلاقی و حُسن خلق. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸: ۳۹۳) امام علی(ع) در بیان ویژگی‌های رسول خدا(ص) و تحول در رفتار جامعه توسط وی بواسطه این ویژگی‌ها فرموده اند: پیامبر معمولاً با مردم بود و دافعه نداشت که مردم را فراری دهد، بزرگان را احترام ویژه می‌نمود، احوال‌پرسی و جویایی احوال داشت. (دارمی، ۱۳۴۸، ج ۲: ۳۲۲)

قرآن کریم اینگونه درباره مهربانی کردن پیامبر با مردم دستور می‌دهد: ﴿ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...﴾ (فصلت: ۳۴) مهربانی کردن در سطح جوامع، انسانها را به سمت بخشش سوق می‌دهد. این خصیصه نبی مکرم اسلام است. خلاصه آنکه پیامبر نسبت به مؤمنان، بسیار صمیمی و با محبت بود؛ غم آنان را به جان می‌خريد، با نرم خویی با آنان رفتار میکرد و به اشك چشم آنان ترخّم مینمود، عیوب آنان را میپوشاند و در مشکلات یاورشان بود. پیوند رسول خدا با اهل ایمان متّکی بر يك اصل مهم اسلام، یعنی «اخوت دینی» بود که از «حُبّ فی الله» نشأت می‌گیرد. خداوند متعال یکی از عوامل موفقیت آن حضرت را همین برخورد صمیمی و لَین او با مؤمنان میدانند.

۳-۴. صداقت و امانت

پیامبر اکرم(ص) در میان قریش به امین(ابن هشام، ۱۹۸۵، ج ۱: ۸۳) و راستگو(مقدسی، بی

تا، ج ۴: ۱۳۴) شهره بود و با وجود آن که مشرکان با رسول خدا(ص) دشمنی داشتند و حتی وی را در ادعای رسالتش تکذیب می کردند ولی وی را امین می دانستند و اموال خود را نزد ایشان به امانت می گذاشتند. (ابن هشام، ۱۹۸۵، ج ۱: ۸۵) جریان نصب حجر الاسود در ۳۵ سالگی که پیامبر(ص) به داوری فراخوانده شد نمونه ای از شهرت صداقت پیامبر است. (ابن هشام، ۱۹۸۵، ج ۱: ۱۹۲) از مواد لازم و ضروری در معارف دین اسلام و در سیره رسول گرامی وفای به عهد می باشد. مثل جایی که حضرت به سبب وعده کردن سه روز منتظر شخصی ماند. (طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۱). صداقت، از ارزش ها و هنجارهای تحول محور رفتاری در اجتماع می باشد که اگر به صورت یک فرهنگ عمومی درآید استحکام افراد به همدیگر را به دنبال دارد و جامعه اجتماعی به امنیت نائل می شود. خدای متعال در قرآن کریم، مؤمنان را بعد از توصیه به پروای الهی، به ورود در صفوف راست گویان دعوت میکند. {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ} (توبه: ۱۱۹) پیامبر نجات را در صدق دانسته و معتقد بودند صداقت زینت گفتار است و از مقرب ترین اشخاص به خود در روز قیامت، صادق ترینشان است. صداقت پیامبر تا آنجا بود که در شرایطی که نیاز به یارگیری دارد مردم عقیده و ایمانشان به وی بیشتر می شود چرا که می پندارند مرگ ابراهیم پیامبر(فرزند ۱۸ ماهه ی او) سبب خسوف شده، ولی حضرت نمیخواهد از نقاط ضعف و جهل مردم برای هدایت آنان و به نفع اسلام استفاده نماید، از این رو با صداقت تمام فرمودند: «ایها الناس انّ الشمس و القمر آیتان من آیات الله، تجربان بامرہ، مطیعان له، لا ینکسفان بموت احد..» (ابن ماجه، ۱۳۸۸، ج ۱: ۴۰۰)، همچنین پیامبر در پاسخ به سوال چوپان سیاه چهره ای که برای یهودیان خیبر گله داری میکرد، درباره بازگرداندن احشام به یهودیان مغلوب، فرمود؛ در آیین ما خیانت به امانت یکی از بزرگترین گناهان است و دستور به برگرداندن آن گوسفندان دادند. (ابن هشام، ۱۹۸۵، ج ۳: ۳۴۴)

برنامه های عملی انبیاء نقش محوری را در هدایت افراد دارد. بنابراین اگر تناسبی بین قول و فعل ظاهر نگردد، اثر هدایت از بین خواهد رفت. یکی از روش های تربیت هماهنگی در گفتار و عمل است. و گفتار بدون عمل خطرناک و آسیب زاست. یکی از کارآمدترین اسلوب های اثرگذاری برای عموم جامعه نقش سبک زندگی و هم جهتی قول و فعل است. قرآن کریم مدعی است اصالت با رفتار می باشد. {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ} (صف: ۲) ای مؤمنان! چرا چیزی را می گوید که خود عمل نمی کنید؟ لذا مومنانی که رفتارشان منطبق بر گفتارشان نیست مورد عتابند. امام صادق(ع) در بیان شیوه جذب می فرماید «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ

بِأَعْمَالِكُمْ وَلَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِالسَّيِّئَاتِكُمْ»، مردم را با رفتارهایتان دعوت کنید و نه با گفتارهایتان» (حمیری، ۱۴۱۳: ۷۷) حضرت علی (ع) در باب قول بی عمل میفرماید «إِنَّمَا أَمْرَتُم بِالنَّهْيِ بَعْدَ التَّنَاهِي» (عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۶: ۱۵۱) ما به «نهی از منکر» امر شدیم بعد از این که خود از منکر اجتناب کردیم. پیامبر اکرم (ص) در تأثیر بر رفتار اجتماعی با سرمایه بزرگی به نام «صادق و امین» پا به عرصه تحول رفتاری گذاشت. در تفسیر آیه شریفه: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ (بقره: ۱۷۷) هم گفته شده صادق بودن انسان به این معنی است که عقیده، قول و عمل او مطابق یکدیگرند؛ یعنی به چیزی که عقیده دارد و می‌گوید عمل می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۴۳۰) مردم جامعه بیش از آنکه از گفته‌ها تحول بپذیرند از کرده‌ها تأثیر می‌پذیرند و به قول معروف دو صد گفته چون نیم کردار نیست. لذا التزام عملی داعیان به خدا، هماهنگی قول و فعل است که با این خط کشی خدای متعال بیهوده‌گویان (مومنون: ۳) غافلان (بقره: ۴۴) منافقان (منافقون: ۱) فاسق و کافر و مشرک را از این تحول جدا میکند. چرا که وقتی ادعا بی دلیل باشد نتیجه‌ای جز تضاد و انحصار طلبی در پی ندارد (بقره: ۱۱۳) هماهنگی قول و فعل در جامعه‌آثاری دارد مانند قوام دین، اجرای عدالت، مودت بین مردم، امنیت اجتماعی، ماندگاری حکومت، و... همانطور که عدم اتحاد این دو می‌تواند به آفریدن خیانت و پیمان شکنی و ترویج فریب و رشوه و فراموشی احکام الهی و فزونی ظلم بیانجامد. بنابراین پیامبر با این ویژگی شخصیتی توانست در جامعه جاهلی مردم را جذب نموده و پس از اعتماد سازی تأثیر دینی را اعمال نماید و تحول رفتاری ایجاد کند.

۴-۴. عصمت

پیامبران در رساندن دین باید معصوم باشند و همچنین در عمل به آن، چرا که الگوی مردم هستند و در صورت انحراف در اعمال، بیان آنها هم سودمند نخواهد بود. (بقره: ۱۲۴، حشر: ۷، نساء: ۸۰، احزاب: ۳۳، ۲۱، انعام: ۹، فتح: ۱، نساء: ۵۹، توبه: ۱۱۹). خدا در قرآن درباره پیامبر می‌فرماید: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ (نجم: ۳-۴) از روی هوی و هوس سخن نمی‌گوید گفتار او چیزی جز وحی نیست که بر او نازل می‌شود. در حدیثی از امام علی بن موسی الرضا (ع) می‌خوانیم که درباره فضیلت و صفات معصوم می‌فرماید: «هُوَ مَعْصُومٌ مُّؤَيَّدٌ مُّوَفَّقٌ مُّسَدَّدٌ قَدْ آمَنَ مِنَ الْخَطَايَا وَالزَّلَلِ وَالْعِثَارِ يَخْصُصُهُ اللَّهُ بِذَلِكَ لِيَكُونَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ شَاهِدُهُ عَلَى خَلْقِهِ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۰۳)؛ وی عصمت دارد و مورد تأیید است و محکم است و محققاً از خطایا در امان است همچنین از لغزش‌ها و خدای متعال او را به این

صفات آراسته است تا حجت بر بندگان تمام کند. ساز و کارهای فرهنگی جاهلی از عقلانیت و تفکر برخوردار نبود، جنگ و خون ریختن و مسابقه در کشتن جزء لاینفک زندگیشان بود، لذا نیاز به منجی ضرورت داشت. از طرفی با توجه به داده‌های رسیده از وضعیت فرهنگی اعراب و رسم و رسومات آنان نیاز مبرم به فردی معصوم بود که هم مورد تاییدشان باشد و هم ارتباط با خدا داشته تا بتواند چنین مردمی را هدایت نماید. بنابراین «فلسفه عصمت» در واقع خالص کردن انبیا برای هدایت و راهنمایی مردم و رساندن آنها به تکامل می‌باشد، چرا که مردم از رهبری که دچار خطا و اشتباه شود و معصیت کند، پیروی نکرده و به آنها اقتدا نمی‌کنند.

۵-۴. نقش اُمّی بودن

وظیفه خطیر رسول اکرم تبیین چیستی دین و ابلاغ آن به جهانیان است (فرقان: ۱)، لذا لازمه ابلاغ، ارتباط با مردم و بیگانه نبودن از آنان جهت پذیرش ادعای رسالتش است، در آیات متعددی خدای متعال تاکید دارد رسولی از جنس خودتان برایتان فرستادیم که یکی از ویژگی‌های اعجاز آور پیامبر اکرم به عنوان آورنده قرآن، اُمّی بودن اوست. پیامبر اُمّی صفتی الهی برای رسول خدا (اعراف: ۱۵۸-۱۵۷) و به این معناست که حضرت رسول اکرم پیامبری است که آموزشی ندیده و نوشتن و خواندن نمیداند. کلام وحی این ویژگی را از صفتهای منحصر به فرد پیامبر دانسته که در کتب اهل کتاب نیز به آن اشاره شده است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۱۷) مفسران معتقدند پیامبر (ص) با وجود اُمّی بودن، مردم را از جهالت به سمت هدایت و رستگاری راهنمایی کرده است. (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۳: ۴۰۴) پیامبری که سالیانی در میان همین مردم زندگی می‌کرد و در طول ۴۰ سال از عمرش (معادل دو سوم عمر پیامبر) نه مکتب رفته بود و نه سخنی از علم به میان آورده بود، حتی یک نفر از معاصرینش یک بیت شعر و یا نثر هم از او نشنید. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۶۳) اجتماع درس نخوانده و دور از سواد در مقابل عظمت معجزه نبی مکرم اسلام متعجب و متحیر بود. (یونس: ۲)؛ خلاصه مطلب آنکه خدای متعال نیز اشاره دارد که ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ (جمعه: ۲) و کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. بعثت پیامبر طبق این آیه عامل نشو و نمو و تحول در تمام سطوح جامعه است و این پرچمداری حکمت

و هدایت توسط پیامبر اُمی در میان جامعه اُمی اجاز الهی است که باعث جلب و جذب و اعتماد عوام الناس و ترتیب اثر به سخنان وی دارد.

۶-۴. دلسوزی و مهربانی

پیامبر اکرم (ص) نسبت به همه انسانها خیرخواه بود. خدای متعال در وصف پیامبر فرمود: {لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ} (توبه: ۱۲۸); به راستی! برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به هدایت شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز و مهربان است. جهاد پیامبر (ص) با مشرکان نیز از سر خیرخواهی بود. او جهت نجات جامعه از تباهی و دفاع از حقوق انسانیت اقدام به جهاد میکرد. او هرگز برای اشباع خودکامگی و قدرت طلبی و دنیاخواهی شمشیر نزده است. در حقیقت، شمشیر در دست پیامبر و پیروانش شمشیری نبود که درصدد از پای در آوردن جانی برآید که جلوهگاه عظمت الهی و شعاعی از اشعه ربّانی است، بلکه شمشیری بوده که گلشن جانهای آدمیان را، که میهمانان چند روزه خوان گسترده الهی اند، از خارهای زهرآگین پاک مینمود و آن را آبیاری میکرد. (ر.ک، جعفری، ۱۳۷۳: ۵۰۹-۵۲۰) وقتی معاذ بن جبل را به یمن اعزام می دارد دستور میدهد «یا معاذ یسّر، و لا تعسّر و بَشِّر و لا تُنْفِر» (ابن هشام، ۱۹۸۵، ج ۴: ۲۶۰) آسان بگیر و سختگیری نکن و مژده بده و مردم را بیزار نکن. دلسوزی و مهربانی پیامبر سبب می شد که آن حضرت در دل مخاطب نفوذ کند و تعالیم اسلام را در جان او بنشاند.

۷-۴. تواضع

پیامبر (ص) در برابر مؤمنان، فروتن و متواضع بود و هیچ وقت به خاطر جایگاه الهی و شایستگی های معنوی، که دارا بود، بر پیروان خود تبختر نمیکرد. با تهیدستان همنشین میشد و در مسافرتها، از مردم کناره گیری نمیکرد و از هرگونه تشخص و امتیاز ظاهری مبرا بود. خدای متعال به پیامبر (ص) دستور میدهد نسبت به مؤمنان متواضع باشد: {وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ} (حجر: ۸۸) و بال (عطوفت) خود را برای مؤمنان بگستر و فرود آر. {وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ} (شعراء: ۲۱۵) و بال و پر خود را بر مؤمنانی که از تو پیروی میکنند، بگستر. این تعبیر (گستراندن بال و پر) کنایه از تواضع و محبت و نرمی است. همانگونه که پرنندگان وقتی میخواهند نسبت به جوجه های خود اظهار محبت کنند آنها را زیر بال و پر خود

میگیرند و هیجانانگیزترین صحنه های عاطفی را مجسم میسازند و آنها را در مقابل حوادث و خطرات حفظ میکنند، پیامبر نیز چنین وظیفه ای نسبت به امتش دارد. (طباطبائی، پیشین، ج ۱۲: ۲۸۳) لذا پیامبری که خود در میان مردم بود و نه کاخ نشین، مثل آنان لباس میپوشید و نه پادشاهان، هم عرض آنان مینشست نه بالا، در ساختن، یار و همکار بودن نه ناظر، و در رزم و جهاد جلودار، توانست اثراتی غیرقابل انکار بر روند اجتماعی مردم عرب گذاشته و جامعه ی ملتهب را آرام نماید.

۸-۴. گوش بودن برای مردم

سیره پیامبر(ص) این بود که با مؤمنان همراه و همنشین بود، به حرف آنان کاملاً گوش میدادند بطوریکه تهمت میزدند که زود باور و ساده است {وَيَقُولُونَ هُوَ أَذْنٌ قُلْ أَذْنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ} (توبه: ۶۱) و می گویند: (منافقان) شخص زود باور و نسبت به سخن این و آن سراپا گوش است. بگو: او در جهت مصلحت شما سراپا گوش و زود باور خوبی است بخصوص با نیازمندان آنان بیش از ثروتمندانشان همراز و همراه بود و از مجالست با افراد فاسق و مشرک به شدت پرهیز میکرد، مگر اینکه مصلحتی در میان بود که همنشینی با آنان را توجیه می نمود. این امر بر افراد «مترف» و زراندوز گران بود که با آنان گرد هم آیند. از اینرو، از پیامبر درخواست کردند آنان را از خود دور کند و زمینه را برای ایمان آوردن اشراف فراهم نماید. اما خداوند متعال به پیامبر اکرم دستور داد: هرگز چنین کاری نکند و مؤمنان را از خود دور نسازد و همانند گذشته با آنان زندگی کند(انعام: ۵۴)، (کهف: ۲۸) رسول میفرماید «ان الله ارسلني مبلّغا و لم يرسلني متعتّا» خدا مرا برای تبلیغ فرستاده نه برای سرزنش و عتاب و عیب جویی (متقی هندی، ۱۹۸۹، ج ۳: ۳۳)

۹-۴. ساده زیستی و مردمی بودن

پیامبر(ص) در معاشرت با مردم، صمیمی و بی آلایش بود و به دور از هر گونه ظاهرسازی، خودنمایی و تکلف رفتار میکرد. اهل تصنع و تکلف نبود و اجازه نمیداد دیگران با او به صورت ساختگی رفتار نمایند، زیرا رفتار اجتماعی با زیر ساخت ناصادقی، بنیان جامعه را بر هم میزند و روابط اجتماعی را از مسیر صحیح خارج میکند. پیامبر(ص) اعلام کرد: {قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ} (ص: ۸۶)، از شما برای این رسالت هیچ مزدی نمی خواهم و از متکلفان نیستم. علامه طباطبائی معتقد است خدا در این آیه یکی از مهمترین ویژگی های رسول

خدا را معرفی نموده و پیامبر با ذکر جمله «مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ»، خود را از تصنع و خودآرایی به چیزی که آن را ندارد، مبرا ساخت. (طباطبائی، ۱۳۱۹، ج ۱۷: ۲۲۵) اساساً فاصله سطح و شیوه زندگی افراد، از جمله موانع ایجاد رابطه میان انسانهاست، لذا آسوه‌ها باید در جهت هماهنگ نمودن شیوه زندگی خویش با توده‌ها بکوشند. به همین جهت در مسابقات شترسواری شرکت میکردند (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۵۱)، یا به دنبال جمع‌آوری هیزم جهت پخت غذا میرفتند (نوری، ۱۴۰۸، ج ۲: ۴۶۲) آن حضرت اگر به کسی علاقه نداشت، اظهار ارادت نمیکرد و با مخالفان خود نیز صادق بود. هرگز درصدد جذب افراد با اظهار خلاف و با دبدبه و کبکبه مادی و ظاهری نبود. مقام قدسی و معنوی حضرت نیز مانع ارتباط صمیمی وی با دیگران نمیشد. {قل انما انا بشر مثلكم} (فصلت: ۶) امیرمؤمنان در توصیف پیامبر (ص) فرمود: «لقد كان يأكل علي الارض و يجلس جلسة العبد و يخصف بيده نعله و يركب الحمار العاري و يردف خلفه» (نهج البلاغه: خ ۱۶۰) پیامبر روی زمین می‌نشست و غذا میخورد و با تواضع، همچون بردگان، جلوس مینمود و با دست خویش کفش و لباسش را وصله میکرد. بر مرکب برهنه سوار میشد و کسی را پشت سر خویش سوار میکرد. ابوذر نقل میکند: یکی از شواهد یکرنگی و بی‌آلایشی حضرت این است که هر چه افراد صالح به آن حضرت نزدیکتر می‌شدند بیشتر شیفته و دلباخته‌اش میگرددند، تا جایی که حاضر بودند به خاطر حفظ جان پیامبر، جان خود را بدهند. انس بن مالک میگوید: قرآینی وجود دارد که نشان میدهند پیامبر محبوبترین فرد نزد مسلمانان بوده است. (ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۵: ۱۸۳) کسانی که با تکلف و تصنع با دیگران رفتار میکنند، یا با تملق میخواهند خود را مطرح نمایند ممکن است برای مدتی مورد توجه قرار گیرند، اما طولی نخواهد کشید که دوستان و طرفداران خود را از دست خواهند داد. این ساده‌زیستی و یک‌رنگی و مردمی بودن تأثیر فراوانی در نفوذ کلام پیامبر اکرم داشت و توفیق آنحضرت را در تغییر رفتار جاهلی بیشتر میکرد.

۱۰-۴. خوش رفتاری

پیامبر (ص) وقتی با اقتدار وارد مکه شد، همه کسانی را که به او ستم کرده بودند، عفو کرد و از هیچ کس انتقام نگرفت. با آنکه قریش و مشرکان مکه از آغاز ظهور اسلام تا آن روز در مورد رسول خدا از هرگونه دشمنی و آزار فروگذار نکرده بودند. روز فتح مکه این آیه را خواندند: {لَا تَرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ} (یوسف: ۹۲) امروز بر شما سرزنشی

نیست، خدا شما را می‌آمرد و او مهربانترین مهربانان است. اذهبوا انتم الطلقاء» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۷: ۲۸۰) بروید، شما آزاد شدگانید ابن شهر آشوب مینویسد: وقتی پیامبر (ص) به مسلمانی میرسید، ابتدا به او سلام میکرد و با او مصافحه مینمود، و اگر مشغول نماز بود و کسی در کنارش مینشست، نماز خود را تخفیف میداد و تمام میکرد، چنانکه گاهی لباس خود را زیر او پهن میکرد و یا او را بر تشك خود مینشانند. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۱: ۱۲۷) امام صادق میفرماید: رسول خدا (ص) نگاه خود را بین اصحابش تقسیم میکرد، به نحوی که به این و آن به صورت مساوی مینگریست و هیچگاه پاهای خود را در مقابل اصحاب خود دراز نمیکرد. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۶۷۱). ابو عبدالله جدلی میگوید: گویی به پیامبر مینگرم که همانند پیامبری از پیامبران بود که قومش او را زدند و خونیش کردند و او در حالی که خون از چهرهاش میزدود، میگفت: خدایا! از قوم من درگذر که آنها نمیدانند. (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۶: ۱۲۳) نوع برخورد با کودکان و احترام به کودکان نیز نمونه دیگری از خوش رفتاری رسول خداست (ر.ک. فیض کاشانی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۳۶۶)

۱۱-۴. خوش گفتاری

در معرفی شان و عظمت جایگاه رسول خدا (ص) همین بس که پروردگار وی را با «ایها الرسول»، «ایها النبی» خطاب کرده و دستور به اطاعت بی چون و چرا از وی میدهد (حشر: ۷) چرا که اُسوه بی است که خلقت قرآن است (فیض کاشانی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۱) لذا اخلاق نبی اکرم (ص)، را به قرآن تشبیه شده، بنابراین اگر کسی در پی نمونه‌ی عینی و عملی قرآن است، اخلاق آن حضرت را بررسی کند، تا دریابد که چگونه قرآن در اخلاق، بینش، منش و سیره‌ی آن حضرت تبلور یافته است. کلام زیبا و وجه متبسم و با نشاط رسول اکرم همه را مجذوب می نمود. قرآن کریم به این نوع شیوه سخن گفتن نیز اذعان دارد؛ {فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لِّیْنَا لَعَلَّہُ یَتَذَكَّرُ أَوْ یَخْشَى} (طه: ۴۴) به نرمی با او سخن بگویند؛ شاید متذکر شود، یا (از خدا) بترسد. {ادْعُ اِلَی سَبِيلِ رَبِّکَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ} (نحل: ۱۲۵) [مردم را] با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن. {قُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا} (احزاب: ۳۲) سخن پسندیده و شایسته گویند {وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا} (احزاب: ۷۰) و سخن درست و استوار گویند. {وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا} و (بقره: ۸۳) با مردم با خوش زبانی سخن گویند.

۴-۱۲. رفق و مدارا

تحول رفتاری نیازمند وضع قانونی عوام فهم، فراگیر، و دارای پشتوانه اجرا می باشد. ضرورت دارد مدعی تحول رفتاری جنس آسیب رفتاری را شناخته و نسخه ایی کاربردی برای آن تجویز کند و این مساعی در سرزمینی که حکومت ندارد و شاخصه ی مشهود در میان مردمانش خشونت و خودمحوری و تبختر است، به آسانی به مقصد نمیرسد، بنابراین کسی باید مجری تحول باشد که زبان قوم را دانسته و با شیوه دیگر تلاش نماید تا نتیجه گیرد. قرآن کریم به رسول خدا دستور میدهد: {خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ} (اعراف: ۱۹۹) با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر، و به نیکی ها دعوت نما، و از جاهلان روی بگردان (و با آنها ستیزه مکن) مخاطب این آیه شریفه، شخص پیامبر اسلام است. یعنی مدارا و گذشت و پذیرش خطاهای دیگران، مسأله ای است که در درجه اول پیشوایان جامعه باید به آن عمل کنند، و بر آن مداومت داشته باشند، تا مردم به تبعیت از آنها عامل به این آیات باشند. در آیه دیگر میفرماید {فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ} (آل عمران: ۱۵۹) از آنان گذشت کن، و برای آنان آمرزش بخواه. آیات دیگری وجود دارد که دستور به حلم و بردباری داده شده مثل (آل عمران: ۱۸۴)، (انبیاء، ۴۱)، (ق: ۳۸)، (حجر: ۹۷-۹۹)، (طه: ۱۳۰) و..

حضرت میفرمود « يُعْتَبَرُ لِلْجَلَمِ مَوْكِزًا » من کانون بردباری هستم. رسول اکرم در برخورد با منافقان موضع سیاسی و نظامی نگرفته و اقدام اصلی وی بر ضد آنان، کار رسانه ایی حضرت بود، بطوریکه آنان در اجتماع تحول محور کم رنگ و منزوی شدند و با این اقدام مسلمین از شر خیانت‌های آنان در امان ماندند. نمونه دیگری که رسول خدا(ص) با الهام گرفتن از قرآن کریم در تحول رفتار جامعه حجاز به کار بردند این بود که در شیوه نهی از منکر همه جا خشونت لازم نیست، ماجرای برخورد حضرت رسول با سرکرده منافقان مدینه عبدالله بن ابی نمونه دیگری از بردباری حضرت در برخورد با منافقان و مخالفان است. (جعفریان، ۱۳۷۶: ۵۱۰)

۴-۱۳. عادل بودن

یکی از اصولی که پیامبر اعظم(ص) در روابط اجتماعی خود به آن پایبند بود و در حق دوست و دشمن، مسلمان و کافر آن را رعایت میکرد، عدالت طلبی و حق مداری بود. اساساً یکی از اهداف مهم نبی مکرم اسلام همانند پیامبران سلف، برقراری عدالت در تمام سطوح جامعه و متوازن ساختن سازمان اجتماعی بود. رسول خدا(ص) رعایت عدالت در حق انسانها را يك تکلیف

و دستور الهی میدانست: {وَأَمَرْتُ لِعَدْلِ بَيْنِكُمْ} (شوری: ۱۵) و مأمور شده ام بین شما عدالت برقرار کنم. در تعالیم پیامبر «عدالت» يك مصلحت بزرگ اجتماعی بود که در تعالی روحی افراد جامعه بسیار مؤثر است. پیامبر به عنوان یکی از مؤمنان به مبدأ و معاد، مورد خطاب الهی بود تا در برپایی آن تلاش کند: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ} (نساء: ۱۳۵) ای کسانی که ایمان آورده اید! به عدالت قیام کنید. پیامبر اکرم (ص) برای تحقق عدالت اجتماعی، اقداماتی انجام داد؛ مثل مبارزه با تبعیضات اجتماعی، میفرمود: «إِنَّ النَّاسَ مِنْ عَهْدِ آدَمَ إِلَيَّ يَوْمَنَا هَذَا مِثْلَ اسنان المشط» (مفید، ۱۴۰۴: ۳۴۱) تشکیل حکومت اسلامی یکی دیگر از این نمونه های عدالت محوری پیامبر (ص) بود. فلسفه تشکیل حکومت چیزی جز احیای تعالیم اسلام و اجرای عدالت در جامعه نبود. {إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ} (نساء: ۵۸) خدا قاطعانه به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش بازگردانید و هنگامی که میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید از این رو، یکی از سفارشهای مهم آن حضرت به کارگزاران حکومتیشان، اجرای عدالت بود.

۱۴-۴. ایثارگری

بین رفتار مطلوب اجتماعی و مقوله ی ایثار در اجتماع، همبستگی معناداری وجود دارد. محیط اجتماعی خطرناک و غیر قابل پیش بینی اعراب جاهلی که صرفاً حیات مادی داشتند، جهت تعالی نیازمند گرایش های توأم با همدلی، تقدیم دیگران بر خود، مشارکت، فداکاری و... بودند که با بروز و ظهور رسول خدا در این اجتماع این هنجار عظیم فرهنگی شکل گرفت. رفتار فداکارانه پیامبر در میان اعراب برجسته است، در جنگ اُحُد در اثر غفلت و دنیا طلبی مسلمانان دندان پیامبر شکست و بسیار جراحت دید ولی رسول خدا نه تنها آنان را لعن نکردند بلکه فرمودند: «اللهم اهدِ قومی فانهم لا یعلمون» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱: ۲۰) سهل بن عبدالله (۲۸۳ ق) آورده که موسی (ع) درخواست نمود: ای پروردگار من! درجات محمد و امت او را به من بنمایان و موسی (ع) ، منزلتی را دید که از [شدت] پرتوهای آن و قُربش به خداوند، نزدیک بود قالب تهی کند. گفت: پروردگارا! به واسطه چه چیز، او را به این کرامت رساندی؟ فرمود: «به واسطه خصلتی که از میان ایشان، آن را به او اختصاص دادم، و آن خصلت، ایثار است». (ابی فراس، ۱۳۶۹، ج ۱: ۱۷۳) طبق تصریح قرآن، ارتباط با خدا در کنار ارتباط با مردم و مقوله ی ایثار مطرح است، لذا می فرماید: {وَأَتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ}

وَأَيْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ { (بقره: ۱۷۷) و مال و ثروتشان را با آنکه دوست دارند به خویشان و یتیمان و درماندگان و در راه ماندگان و سائلان و [در راه آزادی] بردگان می دهند. ماجرای ایثار ابوطلحه انصاری در بخشش درختان خرما بعد از نازل شدن آیه ۹۲ سوره آل عمران از این نمونه هاست.



نتیجه گیری

جامعه عرب جاهلی ناهنجاریها و انحرافات فراوانی به ویژه از جهت رفتار اجتماعی داشت. پیامبر اکرم با استفاده از قرآن و بیان آیات الهی که با معرفی اصول و قواعد هنجارهای اجتماعی همراه بود، توانست تحولی عمیق در رفتار اجتماعی عرب جاهلی ایجاد کند. ویژگی‌های شخصیتی پیامبر(ص) نیز نقش مهمی در تحول رفتار اجتماعی جامعه جاهلی ایفا کرد. پیامبر اکرم با ویژگی‌هایی مانند اخلاص، نرم خویی، امانتداری، عادل بودن، عصمت، ساده زیستی، خوش گفتاری، صداقت، خوش رفتاری، اُمی و از جنس مردم بودن، خوش نام و خوش نسب بودن، هماهنگی بین حرف و عملش توانست رفتار اجتماعی عرب جاهلی متحول سازد. نبی مکرم اسلام با بکارگیری روش‌ها و شیوه‌ها و اقدامات متعدد، توانست اسلام و ارزشهای دینی را به جای ارزشهای عصر جاهلیت، و رفتار اسلامی را به جای رفتار جاهلی بنشاند.



منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

الف منابع فارسی

۱. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد. (۱۳۴۵). مقدمه. ترجمه: محمدپروین گنابادی. تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲. بغدادی، محمد بن سعد(۱۳۷۴ش)، طبقات الکبری، ترجمه مهدوی دامغانی، محمود، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳. بغدادی، احمد بن علی(۱۴۱۷ق)، تاریخ بغداد، تحقیق مصطفی عبدالقادر، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول،
۴. بغدادی، ابوجعفر محمد بن حبیب(م۲۴۵ه)، المحبر، بیروت، دار الاوقاف الجدیده، بی تا
۵. بروس کوئن، (۱۳۹۰ش) مبانی جامعه شناسی، ترجمه غلام عباس توسلی، چاپ ۲۳، انتشارات سمت، تهران.
۶. جعفریان، رسول(۱۳۶۶ش). تاریخ سیاسی اسلام تا سال چهلهم هجری. قم: موسسه در را حق.
۷. جعفریان، رسول(۱۳۷۶ش)، منابع تاریخ اسلام، مشخصات نشر: قم: انصاریان.
۸. جعفری، محمدتقی(ش۱۳۷۳)، حکمت و اصول سیاسی اسلام، تهران، رستمخانی.
۹. حتی فیلیپ، خلیل، (۱۳۶۶ش) تاریخ عرب، مترجم، پاینده، ابوالقاسم، تهران: نشر آگاه، چاپ دوم.
۱۰. حموی بغدادی، یاقوت(۱۳۸۰ش)، معجم البلدان، ترجمه علی نقی منزوی، نشر: سازمان فرهنگی کشور تهران.
۱۱. دهخدا، علی اکبر(۱۳۸۵ش)، لغت نامه، تهران: چاپ اول، نشر انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. زیدان، جرجی.(۱۳۷۲). تاریخ تمدن اسلام. ترجمه: علی جواهرکلام. تهران: امیرکبیر.
۱۳. سیف، علی اکبر، (۱۳۸۷ش) روانشناسی پرورشی نوین، تهران: چاپ سوم، نشر دوران.
۱۴. صادقی اردستانی، احمد(۱۳۶۲ش)، جاهلیت از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه. قم: نشر محمد.
۱۵. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۶۳ش)، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، کانون انتشارات محمدی، تهران.
۱۶. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۰۲ق)، مجمع البیان، ترجمه کرمی، انتشارات فراهانی. بی جا.
۱۷. عمید، حسن(۱۳۷۵ش)، فرهنگ فارسی عمید. چاپ دوازدهم، تهران: امیرکبیر.
۱۸. فیض کاشانی، ملامحسن(ق۱۴۱۷)، محجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء، قم، نشر جامعه المدرسین.
۱۹. قرشی، سید علی اکبر(۱۳۷۱ش)، قاموس قرآن، دار الکتب الاسلامیه، چ ششم.
۲۰. قرشی، سید علی اکبر(ش۱۳۷۴)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: نشر، بنیاد بعثت.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش) الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۲۲. محمد پادشاه، (۱۳۳۶ش) فرهنگ آندراج (فرهنگ جامع فارسی)، جلد دوم، انتشارات کتابخانه خیام، تهران.
۲۳. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین (۱۳۷۴ش)، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، نشر علمی فرهنگی (۲ جلدی).
۲۴. معین، محمد (۱۳۸۱ش)، فرهنگ فارسی معین. تهران: معین.
۲۵. میر معزی، حسین (۱۳۸۹ش)، نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، الگوی اسلامی، ایرانی، مقاله الگوی پیشرفت و اسلامی سازی، شماره ۹۴، مجله جامعه و علوم اجتماعی.
۲۶. موسوی بجنوردی، محمد کاظم (۱۳۹۷ش)، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، نشر مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۲۷. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق)، تفسیر الکشاف، ناشر: دار الكتاب اسلامی.
۲۸. نوری، حسین (۱۴۰۸ق) مستدرک الوسائل، لا رهبانية فی الاسلام»، قم: موسسه آل البيت.
۲۹. ورام بن ابی فراس، ابوالحسن (۱۳۶۹ش)، تنبيه الخواطر و نزاه النواظر، ترجمه: محمد رضا عطایی، مشهد نشر آستان قدس.

ب) منابع عربی

۳۰. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۷۵ق) لسان العرب. بیروت: دار صادر
۳۱. ابن هشام، ابو محمد عبدالملک بن هشام (۱۹۸۵م)، السيرة النبوية، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۳۲. ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن یزید قزوینی (۱۳۸۸ق)، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فواد عبدالباقی، نشر، دار الاحیاء کتب العربیه، بیجا
۳۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، محقق: ابراهیم، محمد ابوالفضل، نشر: قم مکتبه آیه الله مرعشی.
۳۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۶ق)، مناقب آل ابیطالب، نجف، المکتبه الحیدریه.
۳۵. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق)، صحیح بخاری، بیروت، دارالفکر.
۳۶. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۰۱م)، فتوح البلدان، طبع العربیه، مصر.
۳۷. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۰۳ق)، سنن الترمذی، تحقیق عبدالوہاب عبداللطیف، بیروت، دارالفکر.
۳۸. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق)، قرب الاسناد، نشر، آل البيت لاحیاء التراث.
۳۹. جواد علی (۱۳۹۱ق)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام. ۱۰ جلدی، دارالعلم للملایین، بیروت، لبنان.
۴۰. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۶ق)، مفردات الفاظ قرآن، محقق، داوودی، صفوان عدنان دمشق بیروت دارالشام.
۴۱. دارمی، عبدالله، (۱۳۴۸ش) سنن الدارمی، دمشق: مکتبه الاعتدال.

۴۲. سیوطی، جلال الدین(۱۴۰۴ق)، الدر المنثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۴۳. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم(۱۴۱۵ق) الملل و النحل، بیروت، لبنان، ناشر، دارالمعرفه.
۴۴. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰ش) مکارم الاخلاق-قم، نشر شریف.
۴۵. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن- بیروت.
۴۶. عاملی، محمد بن حسن(۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه، نشر، آل البيت.
۴۷. متقی هندی، علی(۱۹۸۹م)، کنز العمال فی سنن الاقوال، تصحیح صفوة سقا، بیروت، الرساله.
۴۸. مجلسی، محمد باقر(۱۴۰۳ق)، بحار الانوارالجامعه لدرر اخبارالائمة الاطهار(علیه السلام)، بیروت، دار احیا تراث العربی، چ دوم
۴۹. مصطفوی، محمد حسن(۱۳۹۹ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۴ جلدی، چاپ اول، ناشر: مرکز نشر کتاب زبان.
۵۰. مقدسی، مطهر بن طاهر (بی تا)، البد و تاریخ، بور سعید، مکتبه الثقافه الدینیّه.
۵۱. نراقی، محمد مهدی(۱۳۸۳ق)، جامع السعادات، الطبعة الثالثة، مطبعة النجف الأشرف.
۵۲. واقدی، محمد بن عمر(۱۴۰۹ق)، المغازی، تحقیق مارسدن جونس، بیروت: مؤسسه الأعلمی.
۵۳. ولفنسون، اسراییل(۱۳۴۵ق)، تاریخ اليهود فی البلاد العرب فی الجاهلیه و صدر الاسلام، نشر مطبعه الاعتماد، مصر.
۵۴. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی(۱۳۸۳ق)، المحججه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، انتشارات اسلامی جامعه المدرسین.

ج) پایان نامه

۵۵. قلی پور، عادل(۱۳۹۲ش)، بررسی دلایل و علل تحول ارزش‌های اجتماعی از منظر قرآن کریم. کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث
۵۶. کریمی، زهرا، (۱۳۹۶ش) تحلیل نقش مناسبات و فرهنگ جاهلی در تحولات پس از پیامبر بر مبنای آموزه‌های قرآن و نهج البلاغه، کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث